

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴

تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی

دکتر بهاء‌الدین نجفی*، وحید یعقوبی**

چکیده

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها تأمین مالی خرد راهکاری مناسب جهت مقابله با فقر روستاییان مطرح شده است و برخی از کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال «اعتبارات خرد» نامگذاری و کشورهای در حال توسعه را در به کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است.

در این مقاله ابتدا تجربیات برخی از کشورها، بویژه مؤسسات موفق و پیشرو در زمینه تأمین مالی خرد بررسی شده است. با توجه به کمبود توان مالی بخش رسمی، بویژه بانک کشاورزی، در پاسخگویی به تقاضای اعتبارات و تأمین مالی کشاورزان، بررسی نهادهای مکمل برای تأمین اعتبار در سطح روستا اهمیت می‌یابد. بر این اساس، مطالعه‌ای موردی در استان فارس انجام گرفته است. در این بررسی با توجه به جایگزینی مؤسسات مالی خرد با بخش غیررسمی، هزینه کشاورزان در دریافت وام

e-mail: najafi@shirazu.ac.ir

* استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز

e-mail: vahid3017@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

از بخش غیررسمی تعیین و تقاضای اعتبارات و درصد تمایل به همکاری کشاورزان با مؤسسات مالی خرد بررسی شده است. در تعیین تقاضای اعتبارات از تابع سود محصول-قیمت استفاده شده است. آمار و اطلاعات مورد نیاز نیز از روش پیمایشی و تکمیل ۲۳۵ پرسشنامه از ۱۵ روستای شهرستانهای فسا و مرودشت و ارسنجان در استان فارس به دست آمده است.

نتایج مطالعه نشان داد که اصلی‌ترین دلیل دریافت اعتبار کشاورزان از منابع رسمی و غیررسمی اعتباری، مصارف تولیدی و رفع هزینه‌های تولید است. بررسی هزینه‌های پنهان دریافت اعتبار نیز تمایان ساخت که هزینه‌های جنبی دریافت اعتبار از بخش رسمی بالاتر از بخش غیررسمی است. دیگر نتایج مطالعه نشان داد که قشر کم درآمد روستایی بیشترین سهم دریافت اعتبار را از بخش غیررسمی داشته‌اند. همچنین تمایل به همکاری این کشاورزان با مؤسسات مالی خرد بیشتر بوده که این امر آمادگی کشاورزان جهت تشکیل مؤسسات مالی خرد را نشان می‌دهد. در پایان مطالعه نیز راهکارهای مناسب توسعه تأمین مالی خرد در کشور، به عنوان جایگزین مناسب بخش غیررسمی در بازار مالی روستایی ارائه شده است.

کلید واژه‌ها:

مؤسسات مالی خرد، بخش غیررسمی، هزینه‌های دریافت اعتبار، تقاضای اعتبارات

مقدمه

دیدگاه جدید در زمینه تأمین مالی کشاورزان، که از اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح شد، به مقوله تأمین مالی کشاورزان به منزله فرایند واسطه‌گری مالی، یعنی مبادله داراییها و بدهیهای مالی میان فعالان اقتصادی روستا می‌نگرد. در این رهیافت تجهیز پس انداز روستاییان به عنوان بعد مهمی از تأمین مالی کشاورزان مورد توجه قرار گرفته و بر نقش غیرمستقیم دولت و حذف پارانه‌ها تأکید شده است. توصیه رهیافت جدید به دولتها آن است که کمبودهای بازار مالی را نه از راه ورود مستقیم درکار واسطه‌گری مالی، بلکه از راه اصلاحات قانونی لازم برطرف کنند.

تأمین مالی خرد ...

بنابراین، در رهیافت جدید مؤسسات مالی مستقیماً تحت پوشش دولت قرار ندارند و از طریق اصلاح قوانین مالی کشور و وجود برخی تسهیلات ویژه در چارچوب قوانین پولی عمل می‌کنند که مهمترین عامل پیشرفت آن تجهیز پس انداز به جای تکیه کامل بر کمکهای دولتی است.

در ایران، با توجه به درآمد کم کشاورزان بویژه کشاورزان کوچک که بخش اصلی کشاورزان ایران را تشکیل می‌دهند، نمی‌توان انتظار داشت که نیازهای مالی و کمبود سرمایه را خود آنان برطرف کنند. توان مالی اندک سبب شده است که نیاز کشاورزان به سرمایه یا اعتبارات به منظور دسترسی به خدمات و نهاده‌های جدید برای گذار از کشاورزی سنتی و همچنین رفع نیازهای مصرفی و هزینه‌های جاری تولید، بیشتر گردد. بنابراین اعطای تسهیلات و اعتبارات به کشاورزان راهگشای بسیاری از مشکلات آنهاست. در صورت رفع نیاز سرمایه‌ای کشاورزان می‌توان انتظار به کارگیری توان واقعی بخش کشاورزی را در اقتصاد کشور داشت. از همین رو شناسایی بخشهای فعال در بازار مالی روستایی به عنوان تأمین کننده نیاز مالی کشاورزان، اهمیت زیادی دارد. با توجه به اینکه از بخش رسمی و نظام بانکی نمی‌توان انتظار پاسخگویی به همه تقاضاهای اعتباری کشاورزان را داشت، لذا شناخت مؤسسات مالی‌ای که با تکیه کمتر بر کمکهای دولتی و با مشارکت کشاورزان تشکیل می‌شوند و در تجهیز پس اندازها و اعطای اعتبار به طور مستقل عمل می‌کنند و در چارچوب بازار مالی کشور می‌توانند مکمل بخش رسمی و جایگزین بخش غیررسمی باشند، اهمیت ویژه‌ای در تقویت بازار مالی روستایی خواهد داشت.

مطالعات گوناگونی بر اهمیت توجه به مؤسسات مالی خرد و موفقیت این مؤسسات در پرداخت اعتبار به کشاورزان بویژه کشاورزان کوچک، تأکید کرده‌اند. در بازار مالی، در صورت وجود رقابت با بخش غیررسمی، می‌توان انتظار داشت که از قدرت انحصاری آن کاسته و در نرخ بهره آن تعدیل ایجاد شود و تنها در این صورت می‌توان بخشهای غیررسمی را نیز در تأمین مالی برای رفع کمبودهای بخش رسمی اعتباری مثرثمر دانست. مؤسسات مالی خرد و «تعاونیهای اعتباری» می‌توانند در بازار مالی به عنوان رقیب وارد شوند و ایجاد تعادل در این بازار را ممکن کنند.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

شرینر و کولومبت به بررسی وضعیت مؤسسات مالی خرد و مقررات و پرداخت وامهای غیر تضمینی برای تولید کنندگان کوچک در آرژانتین پرداختند. آنها معتقد بودند که مؤسسات مالی خرد می‌توانند به کشاورزان کوچک و کم درآمد، که امکان تهیه وثیقه ندارند، کمک زیادی کنند (Schreiner and Colombet, 2001).

یارون و پیپرک به عوامل موفقیت بانک رکیات^۱ در جلوگیری از ورشکستگی کلان اقتصادی و همچنین رشد و پیشرفت برنامه‌های این مؤسسه در کشور اندونزی پرداختند. آنان از بانک رکیات اندونزی به عنوان یکی از بزرگترین و موفقترین مؤسسات مالی خرد، که دارای یک نظام کاملاً شناخته شده است، نام بردند. در طول دوران بحرانهای مالی در شرق آسیا که در کشور اندونزی تأثیرات بسیاری داشته است، این مؤسسه اعتباری نه تنها اعتبارات درازمدت چند منظوره را تجهیز کرد، بلکه در پرداخت اعتبارات کوتاهمدت و میانمدت و همچنین تجهیز پس اندازها نیز موفق عمل نمود. موفقیت بخشهای مختلف مؤسسه رکیات در بحران پولی شرق آسیا امکان ایجاد سیمای شفاف و همچنین برنامه‌ریزی جهت پایداری مؤسسات مالی خرد را فراهم کرد (یارون و پیپرک، ۱۳۸۱). گفتنی است مؤسسه رکیات اقدام به خدمات رسانی بانکی در مناطق شهری و روستایی می‌کرد و لذا از این طریق در تجهیز پس اندازها و پرداخت اعتبارات کوتاه، متوسط و درازمدت موفق بوده است.

لاپینو قوانین موجود برای توسعه و ترقی مؤسسات مالی خرد را در مناطق گوناگون بررسی کرد. این مؤسسات از سوی میلیونها خانوار، که امکان تأمین خواسته‌های مالی خود را از طریق نظام بانکی نداشتند، پذیرفته شد و مورد استفاده قرار گرفت. وی نتیجه گرفت برگزیدن سیاستهای مثبت برای موفقیت مؤسسات مالی خرد ضروری است (Lapenu, 2000).

شرینر به بحث دربارهٔ منافع اجتماعی مؤسسات مالی خرد پرداخت (Schreiner, 1999). این مؤسسات در کشور بولیوی اصلی‌ترین عرضه کننده وام و خدمات پس انداز به فقرا به شمار می‌آیند.

1. Rakiat Bank

تأمین مالی خرد ...

مهمترین موضوع در تصمیمگیری در باره موفقیت مؤسسات مالی خرد در رسیدن به اهدافشان، افزایش در رفاه افراد کم درآمد جامعه بویژه روستاییان است. بانک تعاونی تایلند در سال ۱۹۶۹ به منظور جهش و توسعه کشاورزی از طریق گسترش خدمات مالی به بخش کشاورزی تأسیس شد. این بانک به دلیل اعطای وام به بخش کشاورزی، امتیازات ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال از مالیاتهای مشخص (نظیر مالیات بر درآمد) و الزام ذخیره روی سپرده‌ها معاف است.

در سالهای اخیر در ایران نیز با اینکه فعالیت بانکها گسترش یافته است، هنوز بسیاری از کشاورزان کم درآمد به سبب نداشتن وثیقه و یا دسترسی به بانک از دریافت وام محروم مانده‌اند. البته بانک کشاورزی در راستای گسترش خدمات به این گونه مشتریان اقداماتی انجام داده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حذف وثیقه ملکی از وامهای کمتر از ۵۰ میلیون ریال،
- پرداخت تسهیلات به زنان سرپرست خانوار،
- اعطای اعتبار به زنان در قالب طرح ایران،
- پرداخت وام به زندانیان پس از آزادی،
- پرداخت وام اشتغال.

از دیگر تجربیات موفق در ایران ایجاد چندین صندوق اعتباری (قرض الحسنه) در چند نقطه کشور از سوی سازمان تعاون روستایی است. صندوق اعتباری شرکت تعاونی روستایی شباهنگ یکی از موفقترین این صندوقهاست. این شرکت تعاونی در سال ۱۳۷۰ اولین شعبه خود را در علیشاه عوض (مرکز شرکت) ایجاد و پس از کسب موفقیت‌های اولیه، به تدریج نسبت به گسترش شعبه‌های دیگر اقدام کرده است (نجفی، ۱۳۸۲).

مطالعه حاضر در پاسخ به این ضرورت و همچنین به منظور شناسایی بخشهای تشکیل دهنده بازار مالی روستایی و امکان ایجاد مؤسسات مالی خرد، به عنوان مکمل بخش رسمی و جایگزین بخش غیررسمی، با هدفهای زیر انجام شده است:

۱. شناخت ویژگیهای بازار مالی روستایی،

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

۲. مقایسه بخشهای رسمی و غیررسمی در بازار مالی روستایی،
۳. مقایسه هزینه دریافت وام از منابع رسمی و غیر رسمی اعتباری،
۴. تعیین تقاضای اعتبارات کشاورزی،
۵. بررسی امکان ایجاد و تعیین آمادگی کشاورزان برای همکاری با مؤسسات اعتباری خرد.

روش تحقیق

به منظور تحقیق روی هدفهای مطالعه، استان فارس مورد مطالعه قرار گرفته است. در این باره تابع تقاضا برای اعتبارات تخمین زده شد و تأثیر عوامل شخصی و اقتصادی کشاورزان در اعتبارات دریافتی از بخشهای رسمی و غیررسمی بررسی گردید. تقاضای اعتبار کشاورزان با استفاده از تابع سود محصول-قیمت، که از تابع تولید زیر مشتق گردیده، تخمین زده شده است:

$$Y = AX^\alpha L^{\beta_1} N_f^{\beta_2} N_m^{\beta_3} \quad (1)$$

در این معادله X نهاده‌های متغیر (به جز نیروی کار خانوادگی)، L سطح زیر کشت، N_f نیروی کار خانوادگی در هر واحد زراعی، N_m میزان استفاده از ماشین آلات (برحسب ساعت)، Y ارزش کل محصول تولیدی و $\alpha < 1$ است.

برای تعیین هزینه‌های پنهان دریافت وام از منابع رسمی، با توجه به هزینه‌های فرصت زمان مصرف شده برای انجام دادن امور اداری، ایاب و ذهاب، وثیقه (ضامن) و ثبت محضری، هزینه فرصت سرمایه محاسبه شد.

در استان فارس به منظور انتخاب شهرستانهای مورد نظر، با توجه به اعتبارات تخصیص داده شده به هر شهرستان و تعداد خانوار روستایی، اقدام به محاسبه سرانه اعتبارات دریافتی خانوارهای روستایی در هر شهرستان شد. در این باره شهرستانهای فسا و ارسنجان و مرودشت جهت بررسی انتخاب گردیدند. در این شهرستانها پس از انتخاب دهستان و روستاها، با یک نمونه تصادفی شامل ۲۱۶ کشاورز مصاحبه گردید و اطلاعات لازم جمع آوری شد.

تأمین مالی خرد ...

نتایج و بحث

منابع تأمین اعتبار کشاورزان

در بازار مالی روستایی مناطق مورد بررسی دوگانگی وجود داشته است، به طوری که در این مناطق بازارهای رسمی و غیر رسمی اعتباری در کنار هم به فعالیت مشغول بوده‌اند. هرچند بازار رسمی اعتباری منبع اصلی تأمین اعتبار کشاورزان محسوب می‌شود، بخش غیررسمی در این باره فعالیت کرده است، به طوری که از ۱۳۱ نفر کشاورز دریافت کننده اعتبار ۶۰/۳ درصد از منابع رسمی و ۳۹/۷ درصد از منابع غیررسمی وام دریافت کردند.

جدول ۱. منابع تأمین اعتبار کشاورزان

شرح	بخش رسمی	بخش غیررسمی	بدون وام	جمع
تعداد	۷۹	۵۲	۸۵	۲۱۶
درصد	۳۶/۶	۲۴/۱	۳۹/۳	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مصارف اعتبارات رسمی

اعتبار پرداختی به مصارف گوناگونی می‌رسد. در این باره اعتبارات رسمی پرداخت شده به کشاورزان، عمدتاً در فرایند تولید به کار گرفته شده است. هرچند هدف از پرداخت وامها توسط منابع رسمی، کمک به تولید بوده است، در عمل کشاورزان در مصرف وام جابه جایی انجام داده‌اند. جدول ۲ چگونگی مصرف اعتبارات بخش رسمی را نشان می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، ۴۱ کشاورز دریافت کننده اعتبارات رسمی با ۵۱/۹ درصد فراوانی، مصرف وام دریافتی خود را در جهت تولید دانسته‌اند. همچنین هزینه کردن اعتبارات دریافتی در امور مصرفی خانوار و تعمیرات به ترتیب با ۲۱/۵ و ۱۲/۶ درصد فراوانی در مراحل بعدی قرار داشته‌اند.

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

جدول ۲. چگونگی مصرف اعتبارات بخش رسمی

شرح	تولیدی	مصرفی	تعمیرات	پرداخت بدهی	سایر	جمع
تعداد	۴۱	۱۷	۱۰	۷	۴	۷۹
درصد	۵۱/۹	۲۱/۵	۱۲/۶	۸/۹	۵/۱	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مصرف اعتبارات غیررسمی

وامهای اعطایی بخش غیررسمی به دلیل اینکه در نوع مصرف دارای محدودیت نیست و زمان و انتظار کوتاهتری دارد، به طور عمده دارای ماهیت مصرفی است. این عامل را می‌توان نقطه قوتی برای این بخش دانست. طبق جدول ۳، اعتبارات غیررسمی صرف سه بخش تولیدی، مصرفی و پرداخت بدهی توسط دریافت کنندگان می‌شود. در بخش غیررسمی ۴۰/۴۰ درصد اعتبارات در امور تولیدی، ۳۰/۸ درصد در هزینه‌های مصرفی و ۲۸/۸ درصد در پرداخت بدهی وامگیرندگان مصرف می‌شود.

جدول ۳. مصارف وام دریافتی از منابع غیررسمی

شرح	تولیدی	مصرفی	پرداخت بدهی	سایر	جمع
تعداد	۲۱	۱۶	۱۵	-	۵۲
درصد	۴۰/۴	۳۰/۸	۲۸/۸	-	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

هزینه دریافت اعتبار از منابع رسمی و غیررسمی

به منظور دستیابی به نرخ بهره واقعی وام منابع اعتباری رسمی و غیررسمی هزینه‌های پنهان دریافت وام محاسبه گردید (جدول ۴).

جدول ۴. سهم هزینه های دریافت وام از بخشهای رسمی و غیررسمی

منابع تأمین اعتبار	میانگین وام دریافتی	هزینه کارمزد	درصد	هزینه فرصت زمانی	درصد	هزینه ایاب و ذهاب و خوراک	درصد	هزینه تأمین وثیقه یا ضامن	درصد	هزینه اداری	درصد	میانگین هزینه	سهم کارمزد واقعی (درصد)
رسمی	۷۴۵۴۱۲۰	۹۸۳۲۷۰	۶۸/۱	۱۶۸۹۳۲	۱۱/۷	۱۱۹۸۴۰	۸/۳	۱۰۳۹۵۹	۷/۲	۶۷۸۶۲	۴/۷	۱۴۴۳۸۶۳	۱۹/۳۷
غیررسمی	۵۱۲۳۱۵۰	۱۲۰۲۲۳۱	۸۲/۶	۵۵۳۰۹	۳/۸	-	-	۱۹۷۹۴۶	۱۳/۶	-	-	۱۴۵۵۴۸۶	۲۸/۴۱

مأخذ: یافته های تحقیق

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

نرخ کارمزد اعتبارات کشاورزی منابع رسمی، به دلیل پرداخت یارانه از سوی دولت، کمتر از نرخ کارمزد منابع غیر رسمی است. البته با احتساب هزینه‌های جانبی دریافت وام، مانند هزینه فرصت زمانی، ایاب و ذهاب و خوراک، هزینه تأمین وثیقه یا ضامن و هزینه کارشناسی و اداری، هزینه دریافت وام از بخش رسمی افزایش می‌یابد. در این باره، چنانکه جدول ۴ نشان می‌دهد، نرخ کارمزد واقعی پس از محاسبه و افزودن هزینه‌های پنهان به کارمزد ظاهری افزایش می‌یابد و به سطح ۱۹/۳۷ درصد می‌رسد که پایینتر از نرخ بهره ۲۸/۴۱ درصدی منابع غیر رسمی است. پس از هزینه کارمزد، که ۶۸/۱ درصد از کل هزینه دریافت وام از منابع رسمی است، هزینه فرصت زمان صرف شده برای دریافت وام و هزینه ایاب و ذهاب بیشترین سهم را در افزایش کارمزد این بخش دارند. وجود فاصله مدید میان زمان دریافت وام تا پرداخت آن و همچنین فاصله مکانی بین روستاها تا شعبه‌های بانک موجب هزینه‌های فرصت زمانی و ایاب و ذهاب برای کشاورزان می‌شود که این مورد به ترتیب ۱۱/۷ و ۸/۳ درصد از کل هزینه وام را در بر می‌گیرد. در مورد منابع غیر رسمی بیشترین سهم در هزینه وام‌های دریافتی، یعنی ۸۲/۶ درصد، به هزینه کارمزد که شامل سود سرمایه (سود شخصی وام‌دهندگان) و هزینه ریسک است، تعلق دارد و هزینه ایاب و ذهاب و هزینه اداری صفر است. همچنین هزینه فرصت زمانی نیز تنها ۳/۸ درصد از کل هزینه دریافت وام از منابع غیر رسمی را تشکیل می‌دهد، زیرا این منابع وام مورد نیاز کشاورزان را در مدت زمان کوتاهتری نسبت به منابع رسمی تأمین می‌کنند. هزینه تأمین وثیقه در منابع غیر رسمی بالاتر از منابع رسمی بوده و سهم بالایی در میانگین هزینه وام دارد، زیرا منابع غیر رسمی برای افزایش احتمال بازپرداخت وام درخواست وثیقه سنگین می‌کنند. هزینه تهیه وثیقه ۱۳/۷ درصد از کل هزینه دریافت وام بخش غیر رسمی را شامل می‌گردد. این هزینه برای وامگیرندگان، با توجه به شناخت وام‌دهندگان و میزان اطمینان آنها به بازپرداخت وام، متفاوت است.

تأمین مالی خرد ...

برآورد تابع تقاضای اعتبار

به طوری که پیش از این گفته شد، در این مطالعه برای استخراج تابع تقاضای اعتبار از روش "تابع سود هر واحد محصول- قیمت" استفاده شده است. بدین منظور تابع تولید کاب- داگلاس با بازده نزولی نسبت به نهاده متغیر به کار رفت و بر اساس آن با به دست آوردن تابع سود واحد محصول- قیمت با نرمال کردن قیمت‌ها و استفاده از قضیه شفر دبا روش حداقل مربعات مقید، تقاضا برای اعتبار نیز تخمین زده شد.

در این مدل (معادله ۱) $\alpha < 1$ و α ، β_1 ، β_2 و β_3 ضرایب کشش تولید به ترتیب برای X ، L ، N_m و N_f است. نتایج برآورد تابع کاب- داگلاس در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. تابع تولید کاب - داگلاس

متغیر	ضریب	ارزش t	سطح معنیداری
LnX	۰/۱۳۷*	۱/۷۳۲	۰/۰۸۸
LnL	۰/۱۸۷۵**	۲/۴۴۵	۰/۰۱۷
LnN _f	۰/۰۴۱۱**	۲/۴۶۶	۰/۰۱۶
L _n N _m	۰/۵۵۸۵***	۸/۲۶	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	۲/۲۲۶***	۳/۶۹۹	۰/۰۰۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق $D.W = ۱/۹۴$; $Signif F = ۰/۰۰۰۰$; $F = ۷۸/۳۲$; $\bar{R}^2 = ۰/۸۹۴۲$; $R^2 = ۰/۹۰۸۵$ ؛ ***، **، * به ترتیب معنیداری در سطوح یک، پنج و ده درصد را نشان می‌دهد.

نتایج آزمون F نشان‌دهنده معنیدار بودن کل مدل و پذیرش متغیرهای لحاظ شده و رد فرضیه صفر بودن ضرایب متغیرهای مدل است. نتایج آزمون t پذیرش تمامی متغیرهای مدل را به صورت جداگانه نشان می‌دهد، به طوری که متغیر هزینه‌های متغیر در سطح ده درصد و با ضریب ۰/۱۳۷، متغیرهای سطح زیرکشت و نیروی کار خانوادگی در سطح پنج درصد با ضرایب ۰/۱۸۵۷ و ۰/۰۴۱۱ و متغیر استفاده از ماشین آلات در سطح یک درصد با ضریب ۰/۵۵۸۵ اثرهای مثبت و معنیدار بر ارزش تولیدات داشته‌اند. ضریب دوربین واتسون که از آزمون خودهمبستگی بین جملات اخلاص به دست

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

آمده، برابر ۱/۹۴ بوده است. هرچند خود همبستگی عوامل اخلاص بیشتر در مطالعات سری زمانی ناشی از حذف متغیرهای متشکل، که با متغیرهای مستقل مدل ناهمبسته‌اند، ایجاد می‌شود، در داده‌های مقطعی نیز ممکن است رخ دهد. براساس ضریب آزمون دوربین - واتسون در مدل برآورد شده، نبود خود همبستگی بین جملات پسماند پذیرفته می‌شود. ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد که ۹۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیرهای مستقل است. درجه همگنی تابع فوق برابر با ۰/۹۲۲۳ و نشان‌دهنده وجود بازده نزولی نسبت به مقیاس است.

$$\mu = \sum \alpha_i < 1 \quad \mu = 0.9223 < 1$$

به بیان دیگر زمانی که تابع تولید به صورت تابع کاب-داگلاس با بازده نزولی به مقیاس نسبت به نهاده متغیر باشد، تابع سود هر واحد محصول-قیمت به صورت زیر خواهد بود:

$$\pi' = \ln A^* + \alpha^* \ln q^* + \beta_1^* \ln L + \beta_2^* \ln N_f + \beta_3^* \ln N_m$$

$$\pi' = -6.161 - 2.9541 \ln q + 0.2173 \ln L + 0.475 \ln N_f + 0.647 \ln N_m$$

$$t = -8.433 \quad -1.87 \quad 3.55 \quad 2.34 \quad 8.494$$

$$(\text{Sig}) = (0.0000) \quad (0.0667) \quad 1.000811 \quad 0.0224 \quad (0.0000)$$

$$R^2 = 0.8454 \quad \bar{R}^2 = 0.8265 \quad F = 44.557 \quad \text{Sig} F = 0.000 \quad D.W = 1.8571$$

با توجه به مقادیر t به دست آمده، تمامی متغیرهای مستقل به کار رفته در تابع سود محصول-قیمت معنی‌دار شده و با توجه به مقادیر R^2 مدل، حدود ۸۵ درصد تغییرات سود توسط متغیرهای وارد شده در مدل توجیه شده است. مقدار آماره F نشان‌دهنده معنی‌دار بودن رگرسیون و رد فرضیه صفر بودن ضرایب تمام متغیرهاست و آزمون دوربین - واتسون نیز مبین نبود خود همبستگی بین جملات پسماند است.

چنانکه در مدل مشاهده می‌شود متغیرهای سطح زیرکشت، تعداد نیروی کار خانوار و ساعات استفاده از ماشین آلات دارای تأثیر مثبت در سود کشاورزان و ضرایب آنها در مدل به ترتیب ۰/۲۱۷، ۰/۴۹۵ و ۰/۰۶۴۷ است. متغیر C در این مدل هزینه نرمال شده هر واحد نهاده متغیر است که از رابطه زیر به دست می‌آید:

تأمین مالی خرد ...

$$C = 1 + \left(\frac{it}{1200}\right)$$

در این رابطه i نرخ کارمزد سالانه و t طول دوره کشت (ماه) است.

هزینه هر واحد نهاده متغیر برابر است با هزینه واحد متغیر به اضافه کارمزد آن به طوری که نرخ کارمزد سالانه برابر ۹ درصد و t به عنوان طول دوره کشت برحسب ماه منظور گردیده است. برای حذف اثر تورم، با نرمال کردن هزینه متغیر، آن را بر شاخص قیمت‌های عمده فروشی محصولات کشاورزی (p) تقسیم می‌کنیم؛ لذا خواهیم داشت:

$$q = \frac{c}{p}$$

ضریب متغیر q در مدل سود واحد محصول - قیمت تأثیر منفی در سود دارد و مقدار آن ۲/۹۵۴

است. در نتیجه با افزایش هزینه نهاده‌ها میزان سود کشاورزان کاهش می‌یابد. در اینجا برای به دست آوردن تابع تقاضای اعتبار جهت سرمایه گذاری لازم است که با استفاده از قضیه شفرد، مشتق تابع را نسبت به هزینه متغیر به دست آورد:

$$X^* = -\frac{\pi}{q} \alpha^* \Rightarrow -\frac{X^* q}{\pi'} = \alpha^*$$

چون α^* در دو معادله تابع سود هر واحد محصول - قیمت و معادله تابع تقاضای نهاد به صورت

متغیر ظاهر شده است، هر دو معادله با روش حداقل مربعات مقید برآورد می‌شود:

$$\ln \pi' = \ln A^* + \alpha^* \ln q + \beta_1^* \ln L + \beta_2^* \ln N_f + \beta_3^* \ln N_m - \frac{X^* q}{\pi'} = \alpha^*$$

که نتایج برآورد تابع سود هر واحد محصول قیمت به صورت زیر است:

$$\ln \pi' = -1.1725 - 1.028 \ln q + 0.2088 \ln L + 0.4294 \ln N_f + 0.5812 \ln N_m$$

$$t = 3/699 \quad 3/699 \quad 16/259 \quad 2/007 \quad 7/49$$

$$(\text{Sig}) = 0.0005 \quad 0.0005 \quad 0.0000 \quad 0.0495 \quad 0.0000$$

$$R^2 = 0.8454 \quad \bar{R}^2 = 0.887 \quad F = 73/44 \quad \text{Sig } F = 0.000 \quad DW = 2/17$$

چنانکه انتظار می‌رود، تابع سود در حال کاهش و محدب نسبت به قیمت نهاده متغیر است و

نسبت به متغیرهای سطح زیر کشت و نیروی کار خانوادگی و ساعات استفاده از ماشین آلات افزایشی

است. همه متغیرهای مدل اثرهای معنیدار بر سود داشته‌اند، به طوری که با توجه به آزمون t ، متغیرهای

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

تعداد نیروی کار خانوادگی و سطح زیر کشت در سطح پنج درصد معنیدار و ضرایب آنها در مدل برابر ۰/۲۰۸۸ و ۰/۰۴۲۹۴ و دارای تأثیر مثبت در سود بوده است. متغیرهای ساعات استفاده از ماشین آلات و قیمت تعدیل شده هر واحد نهاده متغیر نیز در سطح یک درصد اثرهای معنیدار بر سود داشته است. تأثیر هزینه تعدیل شده نهاده متغیر، طبق انتظار، به صورت منفی و با ضریب ۱/۰۲۸ بوده است. بیشترین تأثیر مثبت در سود کشاورزان را نیز ساعات استفاده از ماشین آلات با ضریب ۰/۵۸۱۲ داشته است. R^2 مدل نشان می‌دهد که در حدود ۹۰ درصد تغییرات سود را متغیرهای لحاظ شده در مدل توضیح می‌دهند و آماره دورین - واتسون نیز نبود خودهمبستگی جملات پسماند را نشان می‌دهد. با توجه به تابع سود واحد محصول - قیمت به دست آمده و جایگزین کردن آن در تابع تقاضای نهاده متغیر، نتایج مربوط، که تابع تقاضای نهاده متغیر را نشان می‌دهد، به صورت زیر می‌شوند:

$$\ln X = \ln A' + (\alpha^* - 1) \ln q + \beta_1^* \ln L + \beta_2^* \ln N_f + \beta_3^* \ln N_m$$

$$A' = A^* - \alpha^*$$

$$\ln X^* = -1/773 - 2/028 \ln q + 0/2088 \ln L + 0/04294 \ln N_f + 0/5812 \ln N_m$$

تابع به دست آمده تابع کل سرمایه مورد نیاز کشاورزان است. از آنجا که کشاورزان سرمایه مورد نیاز خود برای سرمایه گذاری در تولید محصولات را از محل سرمایه شخصی تأمین می‌کنند و مابقی نیاز خود را از منابع اعتباری کسب می‌نمایند، بنابراین می‌توان گفت که نیاز کشاورزان به سرمایه بیرونی از طریق اعتبارات رسمی یا غیررسمی تأمین می‌شود و برابر است با تفاوت کل سرمایه مورد نیاز کشاورزان از سرمایه شخصی در دسترس آنها.

با توجه به اینکه سرمایه شخصی در دسترس کشاورزان جهت خرید نهاده‌ها و سرمایه گذاری در تولید بستگی به سود دریافتی، آنان در سال زراعی قبل دارد. بنابراین تابع سرمایه شخصی (X^0)، که تابعی است از میزان سود دوره قبل کشاورزان، به صورت زیر تخمین زده می‌شود:

$$\ln X^0 = 6/693 + 0/486 \ln \pi^*$$

$$t = 10/444 \quad 4/89 \quad R^2 = 0/301 \quad \bar{R}^2 = 0/298$$

$$(Sig t) = 0/0000 \quad 0/0000 \quad F = 32/581 \quad Sig F = 0/0000$$

تأمین مالی خرد ...

$$R^2 = 0.8454 \quad \bar{R}^2 = 0.887$$

فرم نمایی تابع سرمایه شخصی کشاورزان به صورت زیر است:

$$\ln X^{\circ} = 80.6/7 \pi^{*0.486}$$

بنابراین بین میزان سود دوره قبل کشاورزان و سرمایه شخصی در دسترس آنها رابطه مثبت وجود دارد، بدین ترتیب که با افزایش یک واحد سود دوره قبل، سرمایه شخصی کشاورزان برای هزینه نمودن در تولید محصولات به میزان ۰/۴۸۶ افزایش می‌یابد. جدول ۶ نتایج تخمین تابع سود واحد قیمت محصول و تقاضای نهاده متغیر را، که با روش حداقل مربعات مقید برای سال زراعی ۱۳۸۰-۸۱ تخمین زده شده است، به همراه نتایج تخمین تابع سرمایه شخصی کشاورزان نشان می‌دهد.

جدول ۶. توابع سود واحد محصول قیمت - تقاضای نهاده متغیر و سرمایه شخصی کشاورزان

سطح معنیداری	ارزش	ضریب	پارامتر	تابع
۰/۰۱	۳/۶۹۹	-۱/۷۲۵	LnA*	تابع سود هر واحد محصول قیمت: ضریب ثابت
۰/۰۱	۱۶/۲۵۹	-۱/۰۲۸	α^*	قیمت تعدیل شده واحد نهاده متغیر
۰/۰۵	۲/۰۸	۰/۲۰۸۸	β_1^*	سطح زیر کشت
۰/۰۵	۲/۰۰۷	۱/۴۲۹۴	β_2^*	نیروی کار خانوادگی
۰/۰۱	۷/۴۹	۱/۵۱۸۲	β_3^*	ساعات استفاده از ماشین آلات
				تابع نهاده متغیر قیمت تعدیل شده واحد نهاده متغیر:
۰/۰۱	۱۶/۳۰۱	-۲/۰۲۸	($\alpha-1$)	ضریب ثابت
۰/۰۱	۳/۷۲۵	۱/۷۷۳	LnA'	تابع سرمایه شخصی
۰/۰۱	۱۰/۴۴	۶/۶۹۳	Lna	ضریب ثابت
۰/۰۱	۴/۸۹	۱/۴۸۶	b	سود دوره قبل

مأخذ: یافته های تحقیق

باتوجه به مطالب گفته شده می‌توان تابع تقاضای اعتبارات را از تفاضل تابع تقاضای نهاده

متغیر (یا همان کل سرمایه مورد نیاز کشاورز) از تابع سرمایه شخصی آن به شرح زیر به دست آورد:

$$X^{*\beta} = X^* - X^{\circ}$$

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

$$X^* = 0.5728 q^{-2/0.28} L^{0.2/0.88} N_F^{0.04294} N_m^{0.5812}$$

$$X^0 = 80.6/\sqrt{\pi}^{*0.486}$$

$$X^{*\beta} = 0.5728 q^{-2/0.28} L^{0.2/0.88} N_F^{0.04294} N_m^{0.5812} - 80.6/\sqrt{\pi}^{*0.486}$$

به طوری که قبلاً گفته شد، $q = \frac{C}{P}$ است. بنابراین با جایگزینی q در مدل تابع تقاضای اعتبارات ($X^{*\beta}$) خواهیم داشت:

$$X^{*\beta} = 0.5728 C^{-2/0.28} L^{0.2/0.88} N_F^{0.04294} N_m^{0.5812} P^{+2/0.28} - 80.6/\sqrt{\pi}^{*0.486}$$

بنابراین تابع مذکور برآوردی از نیاز اعتباری مورد تقاضای کشاورزان را در دوره مورد نظر با نرخهای کارمزد متفاوت نشان می‌دهد. در تابع اعتبارات برآورد شده، C هزینه هر واحد نهاده متغیر (ریال)، L سطح زیرکشت، N_F نیروی کار خانوار کشاورز (نفر - روز)، p شاخص قیمت کالاهای عمده فروشی کشاورزی و π^* سود دوره قبل کشاورزی است.

نتایج تابع تقاضای اعتبارات کشاورزی نشان‌دهنده رابطه معکوس تقاضا با قیمت نهاده و رابطه مستقیم آن با قیمت محصول است. کشش تقاضا برای هر دو متغیر قیمت نهاده (C) و قیمت محصول (p) بالا بوده است، به طوری که با فرض ثابت بودن سایر شرایط، چنانچه قیمت نهاده به میزان یک درصد افزایش یابد، میزان تقاضای اعتبارات به میزان $-2/0.28$ درصد کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر می‌توان فرضیه افزایش میزان تقاضا با افزایش هزینه تولید را برای کشاورزان مورد مطالعه رد کرد. رابطه قیمت محصولات عکس رابطه هزینه با تقاضاست و با افزایش میزان قیمت محصولات به اندازه یک درصد، میزان تقاضای اعتبار به میزان بیش از یک درصد افزایش خواهد یافت. کشش سایر متغیرهای مدل شامل سطح زیرکشت، نیروی کار خانوار کشاورز، ساعات استفاده از ماشین آلات و سود مثبت است. بیشترین تأثیر مثبت نهاده‌های فوق مربوط به ساعات استفاده از ماشین آلات است که کششی معادل 0.5812 دارد. به عبارتی با افزایش یک درصدی ساعات استفاده از ماشین آلات، تقاضای اعتبارات به میزان 0.5812 درصد افزایش می‌یابد.

همچنین با توجه به وجود کشش مثبت برای سطح زیرکشت در تابع تقاضای اعتبارات کشاورزی فرضیه رابطه مستقیم سطح زیرکشت و تقاضای اعتبارات پذیرفته می‌شود. در واقع با افزایش یک درصدی سطح زیرکشت، تقاضای اعتبارات کشاورزی به میزان 0.2088 درصد افزایش خواهد

تأمین مالی خرد ...

یافت. کشش خالص به دست آمده از تابع تقاضای اعتبارات مثبت است و نشان می‌دهد که عوامل دیگر حساسیت منفی تقاضا را نسبت به هزینه متغیر جبران می‌کنند.

مقایسه میانگین ویژگیهای کشاورزان وامگیرنده از منابع رسمی و غیررسمی

با تقسیمبندی کشاورزان وامگیرنده به دو گروه، بر مبنای رسمی یا غیررسمی بودن منابع، میانگین خصوصیات اقتصادی-اجتماعی آنان با یکدیگر مقایسه شد (جدول ۷).

جدول ۷. مقایسه میانگین خصوصیات کشاورزان دریافت‌کننده اعتبار از منابع رسمی و غیررسمی

متغیر	کشاورزان گیرنده وام از منابع رسمی	کشاورزان گیرنده وام از منابع غیر رسمی	ارزش t
درآمد سال جاری	۱۳۸۶۷۲۳۸	۹۹۶۸۲۱۵	۲/۱۷**
درآمد سال قبل	۱۱۰۱۶۸۱۷	۸۶۲۱۴۱۵	۱/۶۸*
کل بدهی	۲۹۱۱۴۸۰	۳۹۲۴۱۵۶	۲/۰۹**
سن	۴۴/۲	۴۲/۱	۱/۰۴
سابقه	۲۵/۱	۲۳/۷	۰/۹۴
سطح زیرکشت	۹/۹۸	۷/۷۲	۱/۷۸*
تحصیلات	۳/۹۴	۴/۰۶	۰/۸۲
کل هزینه متغیر	۵۹۲۴۱۵۵	۴۸۵۷۵۱۶	۱/۳۹
اندازه خانوار	۶/۱۲	۵/۶۱	۰/۸۶
وام دریافتی	۷۴۵۴۱۲۰	۵۱۲۳۱۱۵۰	۱/۷۸*
پس انداز	۱۲۵۷۵۱۲	۹۵۷۱۸۰	۱/۱۴
دارایی	۹۸۷۵۶۲۵۰	۷۶۵۴۲۲۵۰	۱/۷۳**

مأخذ: یافته‌های تحقیق ** و * به ترتیب معنیداری در سطوح ۵ و ده درصد را نشان می‌دهد.

طبق جدول ۷، درآمد سال جاری و کل بدهی کشاورزان دو گروه در سطح پنج درصد اختلاف معنیداری را نشان می‌دهد. همچنین کشاورزان این دو گروه در درآمد سال قبل، سطح زیرکشت، وام دریافتی و دارایی، در سطح ۱۰ درصد اختلاف معنیداری با هم داشته‌اند. در بین دو

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

گروه تنها متغیرهای اقتصادی دارای تفاوت معنیداری بوده‌اند و ویژگیهای فردی و اجتماعی نیز اختلاف معنیداری نداشته‌اند. با توجه به اختلاف معنیدار درآمد کشاورزان دریافت کننده اعتبار از منابع رسمی و غیررسمی و پایین تر بودن درآمد کشاورزان در گروه وامگیرنده از منابع غیررسمی می‌توان گفت که کشاورزان کوچکتر و کم درآمدتر اصلی‌ترین بخش مشارکت کننده در منابع غیررسمی‌اند. به منظور بررسی دقیقتر ارتباط توزیع اعتبارات با درآمد کشاورزان، پس از تقسیمبندی وامگیرندگان برحسب درآمد ناخالص، رابطه توزیع اعتبارات با این متغیر برای هر یک از بخشهای رسمی و غیررسمی اعتبار بررسی شد. برای نشان دادن رابطه توزیع اعتبارات رسمی با درآمد کشاورزان، آنان به سه سطح درآمدی کمتر از ۶۰۰۰، بین ۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ و بیشتر از ۱۰۰۰۰ هزارریال تقسیم شدند. نتایج به دست آمده برای هر یک از بخشهای رسمی و غیررسمی به ترتیب در جدولهای ۸ و ۹ آورده شده است.

نتایج بررسی در بخش رسمی نشان می‌دهد که کشاورزان دارای درآمد کمتر از ۶۰۰۰ ریال ۳۱/۶ درصد از نمونه را تشکیل می‌دهند، در حالی که سهم آنها از میزان وام دریافتی ۲۴/۸ درصد بوده است. سهم وام گروههای دوم و سوم، که به ترتیب ۴۵/۶ و ۲۲/۸ درصد از حجم نمونه را داشته‌اند، برابر ۴۹/۱۳ و ۲۶ درصد بوده است. بنابراین، گروههای دوم و سوم، که دارای سطح درآمد بالاتری بوده‌اند، سهم بیشتری هم از اعتبارات منابع رسمی به خود اختصاص داده‌اند.

در بخش غیررسمی نیز نتایج نشان می‌دهد که گروه درآمدی کمتر از ۶۰۰۰ هزارریال، یا همان کشاورزان کم درآمد، به میزان کمتر از سهم خود در نمونه مورد مطالعه، در مقدار وام دریافتی سهم داشته‌اند و گروههای پر درآمدتر از میزان وام مناسبتری بهره برده‌اند.

مقایسه جداول ۸ و ۹ نشان می‌دهد که در بخش غیررسمی ۴۶/۲ درصد ولی در بخش رسمی ۳۱/۶ درصد از دریافت کنندگان اعتبار دارای درآمد کمتر از ۶۰۰۰ هزارریال بوده‌اند. بنابراین

تأمین مالی خرد ...

می‌توان گفت که کشاورزان کم درآمدتر اصلی ترین دریافت کنندگان اعتبار از منابع غیررسمی بوده‌اند. نتایج آزمون F نشان می‌دهد که در سطح پنج درصد تفاوت معنی‌داری در میانگین اعتبارات دریافتی میان سه گروه یادشده وجود دارد.

جدول ۸. توزیع اعتبارات رسمی براساس درآمد ناخالص کشاورزان (هزارریال)

درآمد ناخالص	تعداد	سهم (درصد)	مبلغ وام	درصد وام	میانگین وام
کمتر از ۶۰۰۰	۲۵	۳۱/۶	۱۳۵۲۵۳	۲۴/۸	۲۴۱۰/۱۲
۶۰۰۰-۱۰۰۰۰	۳۶	۴۵/۶	۲۶۷۳۶۵/۳۴	۴۹/۱۳	۷۴۲۶/۸
بیش از ۱۰۰۰۰	۱۸	۲۲/۸	۱۴۱۵۳۲/۴۲	۲۶	۷۸۶۲/۹
جمع	۷۹	۱۰۰	۵۴۴۱۵۰/۷۶	۱۰۰	۷۴۵۴/۱۲

F=۳/۹۳**

** معنی‌داری در سطح پنج درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۹. توزیع اعتبارات غیررسمی براساس درآمد ناخالص کشاورزان (هزارریال)

درآمد ناخالص	تعداد	سهم	مبلغ وام	درصد وام	میانگین وام
کمتر از ۶۰۰۰	۲۴	۴۶/۲	۱۰۹۷۵۸/۳۶	۴۲/۱	۴۵۷۳/۲۶
۶۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰	۱۷	۳۲/۷	۹۰۵۷۷/۲۹	۳۴	۵۳۲۸/۰۷
بیش از ۱۰۰۰۰	۱۱	۲۱/۱	۶۶۰۶۸/۱۵	۲۴/۸	۶۰۰۶/۲
جمع	۵۲	۱۰۰	۲۶۶۴۰۳/۸	۱۰۰	۵۱۲۳/۱۵

F=۴/۳۱**

** معنی‌داری در سطح پنج درصد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۱۰ میزان مشارکت گروه‌های درآمدی کشاورزان با مؤسسات مالی خرد را نشان می‌دهد. براساس این جدول، در هر دو گروه دریافت کننده وام از منابع رسمی و غیررسمی، کشاورزان کم درآمدتر بیشترین تمایل به مشارکت را داشته‌اند، به طوری که کشاورزان دارای درآمد کمتر از ۶۰۰۰ هزارریال در گروه دریافت کننده اعتبار از منابع رسمی ۶۴ درصد و در گروه

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

دریافت کننده اعتبار از منابع غیررسمی ۶۶/۷ درصد تمایل به مشارکت با مؤسسات مالی خرد داشته‌اند. همچنین با افزایش درآمد کشاورزان میزان مشارکت آنها نیز کاهش می‌یابد، به گونه‌ای که کمترین درصد مشارکت مربوط به گروه درآمدی بالاتر از ۱۰۰۰۰ هزارریال در هر دو بخش دریافت کننده اعتبار از منابع رسمی و غیررسمی است.

جدول ۱۰. بررسی میزان مشارکت کشاورزان با مؤسسات اعتباری خرد

کشاورزان وامگیرنده از منابع غیررسمی						کشاورزان وامگیرنده از منابع رسمی						درآمد ناخالص
مجموع		عدم تمایل به مشارکت		تمایل به مشارکت		مجموع		عدم تمایل به مشارکت		تمایل به مشارکت		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۲۴	۳۳/۳	۸	۶۶/۷	۱۶	۱۰۰	۲۵	۳۶	۹	۶۴	۱۶	کمتر از ۶۰۰۰
۱۰۰	۱۷	۴۷/۱	۸	۵۲/۹	۹	۱۰۰	۳۶	۵۵/۶	۲۰	۴۴/۴	۱۶	۶۰۰۰-۱۰۰۰۰
۱۰۰	۱۱	۵۴/۵	۶	۴۵/۵	۵	۱۰۰	۱۸	۶۱/۱	۱۱	۳۸/۹	۷	بیش از ۱۰۰۰۰
۱۰۰	۵۲	۴۲/۳	۲۲	۵۷/۷	۳۰	۱۰۰	۷۹	۵۱/۶	۴۰	۴۹/۴	۳۹	جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تمایل کشاورزان به همکاری با تعاونیهای روستایی در زمینه فعالیتهای اعتباری

تمایل کشاورزان به همکاری با تعاونیها برای انجام دادن امور مالی و اعتباری از دو منظر تمایل به پس انداز در تعاونی و تمایل به دریافت اعتبار از تعاونی بررسی شده است که نتایج آن در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود.

جدول ۱۱. تمایل کشاورزان به همکاری با تعاونیها در زمینه فعالیتهای اعتباری

تمایل به دریافت اعتبار از تعاونی						تمایل به پس انداز در تعاونی						شرح
مجموع		خیر		بلی		مجموع		خیر		بلی		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۷۲	۳۸/۹	۲۸	۶۱/۱	۴۴	۱۰۰	۷۲	۵۱/۴	۳۷	۴۸/۶	۳۵	مروودشت

تأمین مالی خرد ...

۱۰۰	۷۲	۴۳/۱	۳۱	۵۶/۹	۴۱	۱۰۰	۷۲	۶۲/۵	۴۵	۳۷/۵	۲۷	فسا
۱۰۰	۷۲	۴۷/۲	۳۴	۵۲/۸	۳۸	۱۰۰	۷۲	۶۸/۱	۴۹	۳۱/۹	۲۳	ارسنجان
۱۰۰	۲۱۶	۴۳/۱	۹۳	۵۶/۹	۱۲۳	۱۰۰	۲۱۶	۶۰/۶	۱۳۱	۳۹/۴	۸۵	استان

مأخذ: یافته‌های تحقیق

چنانکه در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، در تمامی شهرستانها تمایل به پس انداز در تعاونیها کمتر از ۵۰ درصد و کمترین آن به میزان ۳۱/۹ درصد مربوط به شهرستان ارسنجان و بیشترین آن به مقدار ۴۸/۶ درصد مربوط به شهرستان مرودشت بوده است. در کل استان ۳۹/۴ درصد از کشاورزان تمایل به پس انداز در تعاونیها داشته‌اند. تمایل به دریافت وام از تعاونی در تمامی شهرستانها بیش از ۵۰ درصد بوده است. در این باره بیشترین تمایل به میزان ۶۱/۱ درصد مربوط به شهرستان مرودشت و کمترین آن ۵۲/۸ درصد مربوط به شهرستان ارسنجان بوده است. همچنین در کل استان نیز ۵۶/۹ درصد از کشاورزان تمایل به دریافت اعتبار از تعاونی داشته‌اند.

تمایل کشاورزان به همکاری با مؤسسات مالی غیردولتی

در این مطالعه تمایل کشاورزان به همکاری با مؤسسات مالی ای نظیر مؤسسات اعتباری خرد و مؤسسات غیردولتی و یا نیمه‌دولتی برای ایجاد رقابت و جایگزینی با بخش غیر رسمی بررسی شد که نتایج آن در جدول ۱۲ ملاحظه می‌شود.

جدول ۱۲. تمایل کشاورزان به همکاری با مؤسسات مالی غیر دولتی

تمایل به دریافت اعتبار						تمایل به پس انداز						شرح
مجموع		خیر		بلی		مجموع		خیر		بلی		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۰۰	۷۲	۴۸/۶	۳۵	۵۱/۴	۳۷	۱۰۰	۷۲	۴۵/۸	۳۳	۵۴/۲	۳۹	مرودشت
۱۰۰	۷۲	۳۸/۹	۲۸	۶۱/۱	۴۴	۱۰۰	۷۲	۴۳/۱	۳۱	۵۶/۹	۴۱	فسا

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

۱۰۰	۷۲	۴۵/۸	۳۳	۵۴/۲	۳۹	۱۰۰	۷۲	۵۵/۶	۴۰	۴۴/۴	۳۲	ارسنجان
۱۰۰	۲۱۶	۴۴/۴	۹۶	۵۵/۶	۱۲۰	۱۰۰	۲۱۶	۴۸/۱	۱۰۴	۵۱/۹	۱۱۲	استان

مأخذ: یافته های تحقیق

به طوری که جدول ۱۲ نشان می دهد، ۵۱/۹ درصد از کشاورزان استان تمایل به پس انداز در مؤسسات مالی غیر دولتی داشته اند. بیشترین این تمایل (۵۶/۹ درصد) مربوط به شهرستان فسا و کمترین آن (۴۴/۴ درصد) مربوط به شهرستان ارسنجان است. در مورد دریافت وام از مؤسسات مالی جایگزین بخش غیررسمی نیز ۵۵/۶ درصد از کشاورزان استان تمایل به دریافت اعتبار از این مؤسسات داشته اند. در این باره بیشترین تمایل (۶۱/۱ درصد) مربوط به شهرستان فسا و کمترین آن (۵۱/۴ درصد) مربوط به شهرستان مرودشت است.

ارائه الگوی عملی برای ایجاد و توسعه اعتبارات خرد

با توجه به یافته های پژوهش، بخش سازمان یافته و رسمی بازار مالی روستایی (که عمدتاً در چارچوب بانک کشاورزی و بانکهای تجارتي عمل می کند) نمی تواند همه نیازهای مالی روستاییان را برآورده سازد، لذا زمینه برای فعالیت بخش سازمان نیافته و یا غیررسمی فراهم شده است. در این باره می توان گفت که در بازار مالی روستایی خلاء وجود دارد که آن را با بهره گیری از تجربیات موفق جهانی و ایران و ایجاد و گسترش " اعتبارات خرد " می توان پر ساخت. به هر روی الگوی عملی پیشنهادی در برگیرنده سطوح زیر است:

۱. گسترش اعتبارات خرد در بانک کشاورزی و بانکهای تجارتي دیگر:

در این باره البته بانک کشاورزی (چنانکه پیش از این نیز اشاره شد) اقداماتی در قالب طرح ایران و طرحهای مشابه انجام داده که موفقیتهایی نیز در بر داشته است. اما این طرحها در عین مفید بودن با محدودیتهای زیر روبه رو بوده است:

تأمین مالی خرد ...

الف) دامنه خدمات آن در زمینه پرداخت وام محدود و ایجاد و اداره شعب در مناطق روستایی پر هزینه بوده است.

ب) جذب پس انداز روستاییان به سبب دور بودن تولیدکنندگان از شعبه‌ها محدود و دسترسی آنها به پس انداز در هنگام نیاز مشکل بوده است.

ج) تنوع خدمات ارائه شده فاقد تنوع بوده و به پرداخت وامهای تولیدی محدود شده است.

۲. گسترش اعتبارات خرد از طریق شرکتهای تعاونی روستایی:

با توجه به وجود شرکتهای تعاونی روستایی در روستاها و سابقه دیرینه آنها، زمینه گسترش اعتبارات خرد از طریق این شرکتهای وجود دارد. شرکتهای پیشگفته می‌توانند با تشکیل صندوقهای اعتباری به فعالیتهای اعتباری بپردازند. این شرکتهای در مقایسه با بانک کشاورزی و بانکهای تجاری از مزایای زیر برخوردارند:

الف) حضور داشتن در روستا و دسترسی آسان اعضا به آنها که این موضوع در جذب پس اندازهای روستاییان موفق بوده است؛ زیرا پس اندازکننده می‌تواند در صورت نیاز، به پس انداز خود دسترسی داشته باشد.

ب) به سبب شناخت اعضا از وضعیت وامگیرندگان، تشخیص نیاز آنان از سوی شرکت تعاونی بخوبی انجام گرفته و ریسک عدم بازپرداخت وام وجود نداشته است. این امر موجب کاهش چشمگیر هزینه ریسک نیز شده است.

ج) هزینه‌های اداری وام به سبب مشارکت داوطلبانه اعضا در ساختار مدیریت شرکتهای تعاونی، معمولاً اندک است.

د) پرداخت وامهای زنجیره‌ای به گونه‌ای که وامگیرندگان با ضمانت یکدیگر مسئولیت مشترکی در بازپرداخت وام به عهده گرفته‌اند، کاهش می‌یابد.

ه) با توجه به اینکه بخش درخور توجهی از منابع اعتباری را پس انداز اعضا تشکیل می‌دهد، امکان گسترش دامنه خدمات از طریق ایجاد تنوع در خدمات ارائه شده فراهم می‌شود. از این رو

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹

می‌توان علاوه بر وامهای تولیدی به منظور تأمین نیازهای فوری اعضا، وامهای کوتاهمدت و مصرفی نیز پرداخت کرد.

و) علاوه بر جمع آوری پس انداز و پرداخت وام، شرکت می‌تواند با دریافت حداقل هزینه از استفاده کنندگان به ارائه خدمات غیرمالی مانند ایجاد مراکز ورزشی و آموزشی و رفاهی بپردازد.

ز) این شرکتها می‌توانند به عنوان عامل بانک کشاورزی در روستاها نسبت به پرداخت و جمع آوری اقساط وام اقدام نمایند و از این طریق به کاهش و در نهایت حذف یکی از موانع اصلی گسترش خدمات بانکی یا همان پرهزینه بودن این عملیات در روستاها، کمک کنند.

س) شرکتهای تعاونی می‌توانند به عنوان عامل صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سطح روستا عمل و با هزینه کمتری به گسترش بیمه کمک کنند.

پیشنادهایی برای تحقق رهیافت پیشگفته:

الف) حمایت دولت و نظام بانکی بویژه بانک کشاورزی از تشکیل صندوقهای اعتباری در شرکتهای تعاونی روستایی از طریق اعطای وام،

ب) ایجاد بانک تعاون به منظور تأمین نیازهای اعتباری صندوق اعتباری شرکتهای تعاونی روستایی و همچنین ارائه آموزشهای لازم به منظور تحقق موفقیت آمیز این طرح،

ج) مردمی ساختن شرکتهای تعاونی روستایی به گونه‌ای که آنها از حالت شبه دولتی کنونی خارج و به طور مستقل اداره شوند. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، این الگو به گونه‌ای در شرکت تعاونی شباهنگ (شهریار) اجرا شده و عملکرد آن بسیار رضایت بخش بوده است.

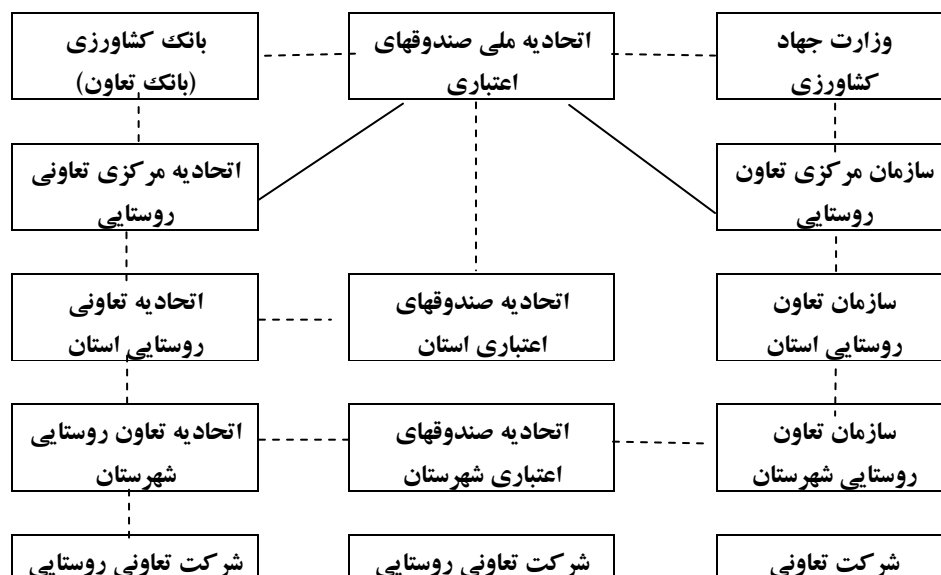
در نمودار ۱ ساختار تشکیلاتی مورد نیاز برای ایجاد مؤسسات اعتباری خرد در شرکتهای تعاونی روستایی مشخص شده است. در این نمودار بر ساختار از پایین به بالای اعتبارات خرد روستایی تأکید شده است؛ بدین ترتیب که حرکت در جهت ایجاد صندوقهای اعتباری باید از شرکتهای تعاونی در سطح روستا شروع شود و سپس از ترکیب صندوقهای تعاونی روستایی، اتحادیه صندوق اعتباری روستایی به وجود آید. در مراحل اولیه تشکیل، که تعداد صندوقها محدودند، وظایف اتحادیه صندوقهای اعتباری را اتحادیه‌های تعاونی روستایی می‌توانند انجام دهند. با توجه به اینکه صندوقهای

تأمین مالی خرد ...

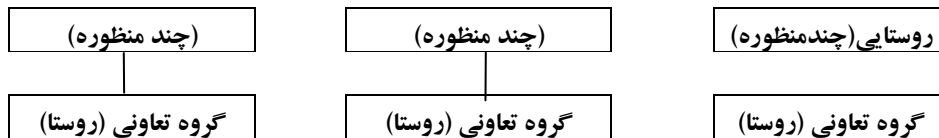
اعتباری، کار تخصصی اعتباری انجام می‌دهند، در مراحل تکامل یافته‌تر می‌توانند به صورت نهاد تخصصی اعتباری، همراستای بانک کشاورزی و بانکهای تجارتي ديگر و همچنين سازمان تعاون روستايي کار حمايت مالي و فني از صندوقهاي اعتباري روستايي را انجام دهند. از تركيب اتحاديهاي صندوق اعتباري شهرستان، اتحاديه صندوق اعتباري استان و از تركيب اتحاديهاي صندوق اعتباري استان، اتحاديه ملي صندوقهاي اعتباري ايجاد مي‌شود.

در نمودار ۱ خطوط ممتد نشانه ارتباط سازمانی و مستقیم و خطوط منقطع مبین وجود رابطه غیرمستقیم است. در این میان وزارت جهاد کشاورزی از طریق سازمان مرکزی تعاون روستایی و با آموزش و توانمند سازی مدیریتی بدون دخالت در امور صندوقها به حمايت از شرکتهای تعاونی روستايي و صندوقهاي اعتباري مي‌پردازد. از سوی ديگر بانک کشاورزی و در صورت تأسیس، بانک تعاون می‌توانند در جهت تقويت صندوقهاي اعتباري به آنان وام و تسهیلات اعطا کنند. اتحاديهاي تعاونی روستايي در سطوح مختلف ملي و منطقه‌ای نیز می‌توانند با نگهداری سپرده و حمايتهاي تدارکاتي ديگر در جهت تقويت صندوقهاي اعتباري گام بردارند.

نمودار ۱. ساختار تشکيلاتي پيشنهادي صندوقهاي اعتباري



اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۴۹



منابع

۱. نجفی، ب. (۱۳۸۲)، تأمین مالی خرد: تجربیات جهانی و امکانات توسعه در ایران، بانک و کشاورزی، ۱:۱.
۲. یارون، ج. پی، م. جو، ب. و پیپرک، ج. (۱۳۸۱)، تأمین مالی روستایی: موضوعات طراحی و تجارب برتر، ترجمه رضا حسینی، نشر علوم کشاورزی کاربرد. تهران
3. Lapenu, C. (2000), The role of the state in promoting microfinance institution, www.cgiar.org/ifpxi/dirs/fcud/dp/htm.
4. Schreiner, M. (1999), A scoring model of the risk of costly areas at a microfinance lender in Bolivia, www.microfinance.com.
5. Schreiner, M. and H. Colombet (2001), Microfinance, regulation and uncollateralized loans to small producers, Argentina, www.microfinance.com